

«گیس» دومین ساخته بلند محسن جسور است که پیش از این فیلم «شکار حزون» را ساخته بود. او «گیس» را سال گذشته ساخته و قرار بود در جشنواره چهل و سوم حضور داشته باشد که این اتفاق نیفتاد و حالاً نخستین

اکرانش را در جشنواره امسال خواهد داشت. فیلم از یک پرونده واقعی اقتباس شده و کاظم دانشی که پیش تر فیلم‌های «بیدن» و «علفزار» را براساس پرونده‌های واقعی کار کرده بود، فیلمنامه آن را نوشته است. جسور همچنین سابقه تئاتر دارد و در این گفت‌وگو از تأثیر تئاتر بر فیلمسازی‌اش گفته است.



برای طبقه کارگر

گفت‌وگو با محسن جسور، کارگردان فیلم «گیس»



فیلم شما قرار بود سال گذشته در جشنواره حضور داشته باشد. چرا این اتفاق نیفتاد و فیلم به جشنواره امسال رسید؟

فیلمبرداری ما طولانی شد و سال گذشته نتوانستیم به جشنواره برسیم. ما تا ۱۸ ماه سال گذشته داشتیم فیلمبرداری می‌کردیم و عملاً به جشنواره نمی‌رسیدیم. از اردیبهشت امسال مراحل پس از تولید را ادامه دادیم و کار را به سرانجام رساندیم.

می‌خواستید حتماً اولین اکران فیلم

در جشنواره باشد؟

قصدمان این بود که فیلم را به جشنواره برسانیم و چنانچه پذیرفته نشد، اکران عمومی بگیریم. هر چند تمام تصمیم‌ها هم با تهیه‌کننده بود. ما یک جشن خانه سینما را داریم و یک جشنواره فجر که فیلم‌ها می‌توانند در آنجا معرفی شوند. فیلم ما هم کم‌دی نبود و ترجیح دادیم اول در فجر اکران شود. شما سابقه تئاتری دارید، ولی ۲ فیلم بلند هم ساخته‌اید.

من سال ۷۳ وارد کانون حر شدم و با علی سلیمانی و گروه زیادی از بازیگران شروع به کار کردیم. از سال ۸۷ هم نمایشنامه‌نویسی را شروع کردم. سال‌ها نمایشنامه و داستان می‌نوشتم تا سال ۸۹ بود که تهیه‌کننده‌اش روح‌الله حجازی بود و کارگردانش مجید اسماعیلی. من برای فیلمنامه این فیلم از جشنواره کودک و نوجوان اصفهان نامزد دریافت جایزه شدم و این اتفاق باعث شد

تشویق شوم و فیلمنامه نوشتن را ادامه دهم. ولی خودم را ملزم کردم که سالی یک نمایشنامه را بنویسم.

این کار چقدر به شما در فیلمسازی کمک می‌کند؟

کمک بسیار زیادی می‌کند. نمایش درام عربی است. در سینما کمک‌های دیگری هم دارید، مثل موسیقی، تصویر و تدوین. ولی در نمایش چنین چیزی نیست. با تدوین نمی‌توانید چیزی را درست کنید. به همین دلیل شما را در نوشتن قوی‌تر می‌کند.

در باره فیلم توضیح می‌دهید؟ فقط می‌دانیم که

بر اساس یک پرونده واقعی است.

فیلم درباره یک حادثه ملی است که بخشی از آن جریان کاری است و برای من خیلی جذاب است.

شما با کاظم دانشی هم در این فیلم کار کرده‌اید که فیلم‌هایش بر اساس پرونده‌های واقعی است. از ارتباط با او بگویید.

من از طریق دوستان برای کارگردانی این کار معرفی شدم. وقتی رفتم، به من گفتند چنین قصه‌ای وجود دارد؛ دوست داری آن را کار کنی؟ خانم صداقت متن اولیه را نوشته بود که با آن چیزی که الان هست خیلی فاصله دارد. کاظم دانشی به همراه تیمش دوباره شروع به نوشتن فیلمنامه کردند و من هم در جریان فیلمنامه بودم. می‌توانم بگویم فیلم مربوط به طبقه کارگر است.

از انتخاب بازیگران بگویید. شما ۲ بازیگر مطرح در کارتان دارید.

انتخاب بازیگر با من و کاظم دانشی و تهیه‌کننده و روزبه سجادی، سرپرست گروه کارگردانی بود. با حامد بهداد قبل تر قرار بود یک سریال نمایش خانگی کار کنیم که نشد، اما آشنایی پیدا کردیم و دوست داشتیم در این فیلم باشد. خانم طباطبایی هم در فیلم «آوار» که من نویسنده بودم، بازی کرده بود و با او هم آشنایی قبلی داشتیم و گزینه مناسبی برای نقش بود.

پیش‌بینی‌تان از نمایش فیلم در جشنواره چیست؟

من به این چیزها فکر نمی‌کنم. حتی به جایزه‌هایی هم که گرفته‌ام فکر نمی‌کنم. رسالت من فیلمسازی است و تماشاگر و رضایتش برایم مهم است. حمید سمندریان همیشه می‌گفت تماشاگر وقتی به تماشای نمایشی می‌رود، طلبی دارد که باید به او پرداخت شود. امیدوارم من هم بدهکار تماشاگر نشوم. خیلی هم درگیر نقدها نیستم.

البته نقد بسیار مهم است، اما چیزهای دیگری روی نقدها تأثیر دارد. من هم فقط به کارم فکر می‌کنم.

جدال منتقدان و فیلمسازان

جشنواره فیلم فجر روزگاری یکی از مهم‌ترین آوردگاه‌های منتقدان و فیلمسازان بود؛ روزگاری که حرف و نظر منتقدان در رو داشت و اگر روی سینماگران هم اثر نمی‌گذاشت، توجه بسیاری از تماشاگران را جلب می‌کرد. این روزها وضعیت جامعه جوری است که حرف منتقدان کمتر در بین تماشاگران اثر دارد، ولی هنوز منتقدان و سینماگران ۲ جبهه در مقابل هم هستند. در ادامه چند اظهار نظر جالب درباره منتقدان را می‌خوانید که از بزرگان عالم سینما مثل استنلی کوبریک، فدریکو فلینی و وودی آلن است. جان کلام این بزرگان سینما این است که سعی نکنید دل جمعیت را به دست آورید یا منتقدان را راضی کنید.

■ **یان سیبلیوس، آهنگساز فنلاندی:** «به حرف منتقدان هیچ توجهی نکن. هیچ وقت مجسمه‌ای به افتخار یک منتقد ساخته نشده است.»

■ **والتر دیزنی، تهیه‌کننده آمریکایی:** «من علاقه‌ای به راضی کردن منتقدان ندارم. ریسک می‌کنم و سعی می‌کنم تماشاگران را راضی کنم.»

■ **فدریکو فلینی، کارگردان ایتالیایی:** «هیچ منتقدی که درباره فیلمی می‌نویسد نمی‌تواند بیش از خود فیلم درباره‌اش بگوید، هر چند منتقدان تمام تلاششان را می‌کنند که ما فکر کنیم برعکس است.»

■ **استنلی کوبریک، کارگردان آمریکایی:** «از همان ابتدا، همه فیلم‌های من منتقدان را دسسته کرده‌اند. بعضی آنها را فوق‌العاده دانسته‌اند و بعضی دیگر تقریباً هیچ نکته مثبتی در آنها ندیده‌اند. اما قضاوت انتقادی بعدی همیشه به شکل چشمگیری به سمت نظر مثبت تغییر کرده است.»

■ **فرانسوا تروفو، منتقد و کارگردان فرانسوی:** «یک روزی فیلمی می‌سازم که منتقدان دوستش داشته باشند، وقتی پول اضافه برای هدر دادن داشته باشم.»

■ **ودی آلن، کارگردان آمریکایی:** «اگر فیلمی نقدهای بد بگیرد، کسی به دیدنش نمی‌آید. اگر نقدهای خوب بگیرد، شاید مردم بیایند، شاید هم نیایند. اما هیچ وقت اینطور نیست که اگر نقدها خوب باشد، حتماً همه هجوم بیاورند.»

■ **رونر هر تسوگ، کارگردان آلمانی:** «من شب‌ها به خاطر نقدهای خیلی بد بی خوابی نمی‌کنم.»

■ **جان کارپنتر، کارگردان آمریکایی:** «نمی‌شود وقتی نقدها را می‌خوانی تحت تأثیر قرار نگیری. سعی می‌کنم نه خیلی جدی‌شان بگیرم و نه بیش از حد بی‌اعتنا باشم. فکر می‌کنم همیشه باید دید کلی داشته باشی، یعنی بدانی مسیری طولانی در این کار پیش رود.»

■ **ران هاوارد، کارگردان آمریکایی:** «مدام از خودم می‌پرسم: «چرا اهمیت می‌دهم؟» می‌دانم کارم حاصل ۱۱۰ درصد تلاش است. می‌دانم خودم درباره فیلم چه احساسی دارم. پس چرا به نقدها اهمیت می‌دهم؟ چرا فروش گیشه برایم مهم است؟ اما همین که این سوال را می‌پرسم، صدای نه ذهن جواب می‌دهد: «چون باید اهمیت بدهی.» نمی‌شود بدون اهمیت دادن زندگی کرد. این ذات توست و به همین دلیل گاهی باید رنج بکشی.»



روزنامه چهل و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

44th

FAJR INTERNATIONAL FILM FESTIVAL

شماره ۴ - بهمن ۱۴۰۴ - شماره ۴